

# مقایسه تہذیب و استبصار

- محمدمہدی مسعودی<sup>۱</sup>
- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم

## چکیده

تہذیب و استبصار، دو کتاب از شیخ الطائفہ محمد بن حسن طوسی است کہ از جوامع روایی متقدم شیعه محسوب می‌شوند و از زمان تألیف تاکنون مورد توجہ فقیهان و محدثان بوده‌اند. تہذیب الاحکام، شرحی استدلالی بر کتاب مقنعہ شیخ مفید است کہ در آن علاوه بر ذکر مستندات قطعی ہر مسئلہ و احادیث مشہور، احادیث متعارض نیز آورده شدہ و شیوہ رفع تعارض این احادیث و تأویل آنها ہمراہ با وجہ ضعف احادیث متعارض بیان گردیدہ است. شیخ طوسی پس از تألیف تہذیب، استبصار را در خصوص احادیث بہ ظاہر متعارض نگاشته است. آنچه در این تحقیق پیش رو داریم؛ مقایسہ‌ای است میان این دو کتاب ارزشمند از جہت روایات، اسناد، استدلالہا و توضیحات مؤلف و مآخذ و مشیخہ دو کتاب. واژگان کلیدی: تہذیب الاحکام، استبصار، شیخ طوسی، روایات، اسناد.



پژوہشگاہ علوم انسانی و مطالعات  
پرتال جامع علوم انسانی

## ۱. شیخ طوسی<sup>۱</sup>

ابوجعفر محمد بن حسن طوسی،<sup>۲</sup> فقیه رجالی، مفسر، ادیب و متکلم<sup>۳</sup> شیعه بود که در سال ۳۸۵ ه.ق در منطقه طوس خراسان به دنیا آمد (علامه حلی، ۱۴۱۷: ۲۴۹). در همان شهر مقدمات علوم را فرا گرفت. وی در سال ۴۰۸ یعنی در سن بیست و سه سالگی جهت تکمیل معلومات خود عازم بغداد گردید و در حدود چهل سال یعنی تا سال ۴۴۸ یا ۴۴۹ در بغداد زندگی کرد و در این زمان از بغداد به نجف مهاجرت کرده و حوزه علمیه نجف را پایه گذاری نمود و سرانجام در سال ۴۶۰ در نجف اشرف وفات کرد و در منزلش دفن گردید (تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۴/۲). وی را شیخ الطائفه لقب داده بودند (همان).

در عصری که شیخ طوسی وارد بغداد شد این شهر به عنوان مرکز خلافت عباسیان بوده و از نظر علمی در اوج اقتدار خود به سر می برد و هر دو گروه شیعه و اهل سنت در آن شهر مراکز معتبر و دانشمندان بزرگی در اختیار داشتند. حضور این دانشمندان در بغداد و برخورد آنان با یکدیگر به تدریج موجبات رشد علوم و معارف دینی را در تمام رشته ها پدید آورد (معارف، ۱۳۸۵: ۳۸۴).

هنگام ورود شیخ طوسی به بغداد، شیعیان حوزه درسی نیرومندی داشتند. یکی از دلایل تقویت این حوزه - علاوه بر ملاحظات سیاسی و فرهنگی - به منازعاتی ارتباط پیدا می کند که آنها همواره با اهل سنت داشته اند (همان: ۳۸۵).<sup>۴</sup> با توجه به این درگیریها، شیعیان همواره در مقابل اهل سنت احساس خطر کرده و خود را متعهد به دفاع علمی و سیاسی از کیان مذهب می دانستند. علاوه بر تضادهای شیعیان با اهل سنت، در مورد شیعیان نیز - آن گونه که از قرائن به دست می آید - هماهنگی و اتحاد

۱. در نگارش زندگی نامه شیخ طوسی از کتاب تاریخ عمومی حدیث دکتر مجید معارف بسیار بهره برده ام.

۲. برای آگاهی از زندگی نامه شیخ طوسی به طور مفصل، ر.ک: شیخ طوسی، ۱۳۷۶: مقدمه شیخ آقابزرگ تهرانی؛ نیز ر.ک: یادنامه شیخ طوسی، ۱۳۴۸.

۳. ابن ندیم در فهرست می نویسد: أبو عبدالله، فی عصرنا انتهت رئاسة متکلمی الشیعة إلیه، مقدم فی صناعة الکلام علی مذهب أصحابه، دقیق الفطنة، ماضی الخاطر، شاهدته فرأیته بارعاً (ر.ک: ۱۳۹۸: ۲۵۲/۱).

۴. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: یادنامه شیخ طوسی، ۱۳۴۸: ۱۹۸/۱-۲۰۲؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۸: ۹۰/۱۲.

نظر کامل در بین بزرگان مذهب وجود نداشت؛ بلکه در زمینه مسائل فقهی و حدیثی اختلاف چندی به چشم می خورد که شواهد آن در کتب مختلف موجود است (همان). علاوه بر آن، تناقض موجود در اخبار و روایات به نوبه خود از عوامل اصلی اختلاف سران و دانشمندان به شمار می رفت. بنابراین، شیخ طوسی در شرایطی پا به بغداد گذاشت که از یک طرف بین شیعیان و عموم اهل سنت منازعات علمی و مذهبی جریان داشت و از طرف دیگر در بین مشایخ شیعه نیز وحدت و هماهنگی کامل وجود نداشت و حتی امنیت علمی و تحقیقاتی به خطر افتاده بود (همان)، لذا این دانشمند در رفع تناقضات علمی و اجتماعی بسیار کوشش کرد و نقش مثبتی ایفا نمود.

در بدو ورود شیخ به بغداد، ریاست مذهب امامیه در اختیار شیخ مفید قرار داشت. شیخ از محضر شیخ مفید و اساتید دیگری مانند ابن غضائری و سید مرتضی بهره برد و تألیفات زیادی از خود بر جای گذاشت، به گونه ای که در ترجمه خود در کتاب فهرست به چهل و یک کتاب از مؤلفاتش اشاره کرده است (طوسی، ۱۴۱۷: ۲۴۰). با نگاهی به تألیفات شیخ طوسی روشن می شود که این دانشمند در مقام یک منجی و چاره گر به تألیف آثار خود اقدام کرده و همه جا در نگارش کتابهای خود، پاسداری از مذهب شیعه و رفع تناقض از چهره آن را وجهه همت خود قرار داده است. وی پس از مدت کوتاهی از اقامت خود در بغداد به کار تحقیق و نگارش روی آورد؛ از جمله تألیف کتاب تهذیب الاحکام را در حیات استاد خود شیخ مفید آغاز نمود.

کتاب تهذیب یکی از چهار کتاب اصلی و جوامع روایی شیعه می باشد که از زمان تألیف تاکنون مرجع فقیهان و محدثان بوده است. شیخ این کتاب را از اصول مورد اعتماد قدما و منابعی که در بدو ورود به بغداد در اختیار او بوده، تألیف نمود (تهرانی، ۱۴۰۳: ۵۰۴/۴). قسمتی از این کتاب به عنوان شرح رساله فقهی استادش شیخ مفید نگارش یافته است. شیخ در آن زمان ۲۵ یا ۲۶ سال بیشتر نداشت (همان). کتاب تهذیب پس از نگارش به سرعت مورد توجه واقع شد و در حوزه های علمی مورد استسناخ قرار گرفت. این کتاب طبق شمارش شیخ آقابزرگ تهرانی دارای ۱۳۵۹۰

روایت بوده که در ۳۹۳ باب تنظیم شده است (همان). طبق نوشته شیخ در مقدمه کتاب، یکی از دوستان وی از وجود احادیث به ظاهر متعارض در منابع شیعی با او سخن گفته و یادآور شده که این موضوع موجب انتقاد شدید مخالفان و جدا شدن برخی شیعیان ناآگاه از مذهب حق گردیده است. لذا از شیخ درخواست کرده که شرحی استدلالی بر کتاب مقنعه شیخ مفید بنویسد که در آن علاوه بر ذکر مستندات قطعی هر مسئله و احادیث مشهور، احادیث متعارض هم آورده شود و شیوه رفع ناسازگاری این احادیث با یکدیگر و تأویل آنها با وجوه ضعف احادیث متعارض بیان گردد (شیخ طوسی، تهذیب، ۱۴۰۶: ۲/۱ و ۳). لذا کتاب تهذیب را در پاسخ به این درخواست تألیف کرد و در واقع این کتاب خاستگاه کلامی دارد (عابدی، ۱۳۷۷: ۳۳).

تهذیب الاحکام نخستین تألیف شیخ طوسی بوده و در آن به هیچ یک از آثار مؤلف اشاره نشده، ولی در دیگر آثار خود بارها به این اثر ارجاع داده است.<sup>۱</sup> این کتاب با دربرداشتن بیشترین احادیث فقهی در مقایسه با سایر کتب چهارگانه از مهمترین منابع استنباط فقهی امامیه به شمار می‌رود و غالباً فقیه را از دیگر کتب حدیثی بی‌نیاز می‌سازد (شبییری، ۱۳۸۳: ۶۹۲/۸).

شیخ پس از تألیف تهذیب، کتاب استبصار را در خصوص احادیث به ظاهر متعارض نگاشته است. وی در مقام بیان انگیزه تألیف این کتاب می‌نویسد:

«پس از تألیف کتاب تهذیب، جمعی از دانشمندان که آن را مورد مطالعه قرار داده و کتاب جامعی تشخیص دادند و مشاهده کردند کمتر حدیثی است مگر آنکه در آن ذکر شده و برای مبتدی و فقیه و متوسط هر کدام به نحوی قابل استفاده است و همه می‌توانند مطلوب خود را از آن برگزینند؛ خواستار کتابی شدند که احادیث مختلف به طور اختصار در آن جداگانه جمع آوری شود و در ضمن به این نکته توجه دادند که برای انجام این مقصود باید عنایت بیشتری مبذول داشت؛ زیرا نفعش بیشتر است و در گذشته هیچ یک از بزرگان علمای ما - که درباره اخبار و فقه و حلال و حرام کتاب نوشته‌اند - در این باره کتابی ننوشته‌اند، لذا از من خواستند که چنین کتابی تألیف کنم...» (شیخ طوسی، استبصار، ۱۴۰۶: ۲/۱ و ۳).

در این تحقیق قصد داریم مقایسه‌ای میان این دو کتاب ارزشمند شیخ طوسی، از جهت روایات، اسناد، استدلالها و توضیحات مؤلف، مآخذ و مشیخه انجام دهیم.

## ۲. روایات تهذیب و استبصار

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد شیخ طوسی پس از تألیف کتاب تهذیب، استبصار را در خصوص احادیث به ظاهر متعارض نوشت. قسمتی از تهذیب شرح مقنعه شیخ مفید است که یک رساله فقهی است. شیخ در مقدمه تهذیب انگیزه خود را از نوشتن این کتاب بیان کرده و بنا بر آنچه که از مقدمه استفاده می‌شود، غرض از تألیف این کتاب، دفاع از کیان مذهب و دفع شبهه تعارض و تخالف در احادیث ما بوده است.

وی پس از اشاره به واقعیت تضاد و تعارض موجود در روایات شیعه در آن دوران و در نتیجه طعن مخالفان، به توصیه شیخ فاضل<sup>۱</sup> در چاره‌جویی این مشکل اشاره می‌کند و از جمله می‌نویسد:

«دوست من گفت: در این شرایط اهتمام به تألیف کتابی که بتواند اخبار متناقض و احادیث اختلافی را به نحوی با یکدیگر جمع کند از مهمترین خدمات دینی و بالاترین وسایل تقرب به درگاه الهی است و این کار برای همه قشرها از نوآموزان تا پژوهشگران مفید می‌باشد. وی از من خواست که به شرح رساله استادمان شیخ مفید موسوم به مقنعه روی آورم و مباحث مربوط به اصول را فرو گذاشته، از اول باب طهارت شروع کنم و ضمناً گفت که در نگارش کتاب، هر باب را به همان ترتیبی که شیخ مفید نگاشته است مورد تألیف قرار دهم و پس از آوردن هر مسئله‌ای مستند آن را از آیات قرآن و سنت قطعی بیاورم و در صورتی که ذیل مسئله‌ای آیه یا حدیثی وجود نداشت از اجماع مسلمین یا اجماع شیعیان شاهدهی ذکر کنم. آنگاه پس از این مرحله احادیث مشهور مذهبی را که در این خصوص وارد شده است ذکر کرده و به دنبال آن احادیث مخالف با آن را از سایر منابع درج نمایم. سپس بین این دو دسته حدیث را جمع کرده و توجیه و تأویل کنم و اگر تأویل آنها ممکن نبود توضیح دهم که مشکل احادیث مخالف چیست. آیا

۱. در مورد اینکه مراد از شیخ فاضل کیست احتمالاتی داده شده است. برای اطلاعات بیشتر در این مورد، ر.ک: تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۴۵/۵؛ بهبودی، ۱۳۷۰: ۱۴/۱ (قسمت مقدمه)؛ معارف، ۱۳۷۶: ۴۴۴.

۱. بیش از صد بار در مقدمه و متن استبصار با تعبیری چون تهذیب الاحکام، کتابنا الکبیر و الکتاب الکبیر آمده است (شبییری، ۱۳۸۳: ۶۹۲/۸).

سند آنها ضعیف است یا از عهد امامان علیهم‌السلام مورد توجه و عمل شیعیان نبوده است. و اما اگر دو حدیث به صورتی باشد که وجهی بر ترجیح یکی بر دیگری نباشد بیان کرده‌ام که عمل باید بر منای حدیثی باشد که موافق با اصل باشد و از عمل به حدیث مخالف آن خودداری شود. به همین ترتیب اگر در مورد یک حکم شرعی نصی وجود نداشته باشد، آن را به آنچه مقتضای آن اصل بوده است حمل کرده‌ام...» (شیخ طوسی، تهذیب، ۱۴۰۶: ۳/۱).

شیوه شیخ طوسی در این کتاب بدین گونه است که ابتدا عبارت شیخ مفید را نقل می‌کند، سپس استدلال می‌آورد و به روایاتی که دلالت بر آن عبارت دارند اشاره می‌کند و بعد از آن، روایات معارض را آورده و به توجیه آنها می‌پردازد. بنابراین در تهذیب به سه دسته روایات برمی‌خوریم:

۱. روایاتی که استدلال بر کلام شیخ مفید است؛
۲. روایاتی که به عنوان معارض روایات اول ذکر شده است؛
۳. روایاتی که به عنوان شاهد جمع ذکر شده است.

البته شیخ طوسی در بعضی موارد خودش روایات دیگری پیدا کرده که از آنها احکام فقهی استفاده می‌شده که شیخ مفید آنها را در مقنعه نیاورده بود؛ لذا خودش ابتدائاً برای آن یک متن فقهی ذکر می‌کند و بعد دلیل می‌آورد. بنابراین گاهی روایاتی که شیخ طوسی آورده شرح احکامی که شیخ مفید آورده نیست<sup>۱</sup> گرچه در مقدمه تصریح کرده که قصد افزودن بر مقنعه را ندارد (همان: ۴/۱).

شیخ در اوایل جلد اول تهذیب روایات عامه را هم ذکر می‌کند. برخی از محققان بر این باورند که ایشان روایات عامه را به عنوان جدل می‌آورد تا اشکال یا عدم اشکال آن مشخص شود.<sup>۲</sup> این در حالی است که به عقیده برخی دیگر از محققان، شیخ طوسی دریافته بود که ملاحظه روایات اهل سنت در کیفیت استنباط احکام از روایات اهل بیت علیهم‌السلام مؤثر است و شاید هم نظر به ایجاد ائتلاف بین فریقین داشته و از این رو روایات عامه را متعرض شده است (واعظزاده، ۱۳۸۵: ۲۶۴). وی

روایات خاصه را هم که معارض کلام است، متذکر می‌شود و اشکال داشتن یا نداشتن آنها را بیان می‌کند. البته از روایات خاصه که در مقدمه، از آنها به «ما يتعلّق بأحادیث أصحابنا» تعبیر کرده، آن مقداری را که دخالت در اثبات اصل مطلب دارد، قبل از اخبار مخالفان می‌آورد، ولی قبل از همه اینها استدلالات را می‌آورد.<sup>۱</sup>

به هر حال تصمیم شیخ، در ابتدا این بوده که در چارچوب رساله شیخ مفید به درج روایت اقدام کند و این روش را تا باب «تلقین المحتضرین» ادامه داده است، اما در اثنای کار احساس نموده که اکتفا کردن به رساله مقنعه باعث کنار گذاشتن بسیاری از روایات فقهی می‌شود؛ چرا که مقنعه همه احکام شرعی مستفاد از روایات را متذکر نشده است؛ لذا این روش را ترک نموده، احادیث عامه را حذف می‌کند و فقط به ذکر احادیث خاصه می‌پردازد؛ چه روایاتی که معارض داشته باشد و چه نداشته باشد.

شاید سبب انصراف او از ذکر احادیث عامه، تنها طولانی شدن کتاب نبوده است، بلکه ترس از جو نامساعد بغداد و اختلاف بین فریقین در آن زمان بوده است؛ همان جوی که سرانجام به سوختن کتابخانه‌های شیعه و فرار دانشمندان آنجا از جمله شیخ طوسی به نجف منجر گردید (همان: ۲۶۸).

از طرفی چون شیخ، متوجه شده که در مورد ابواب گذشته روایات زیادی را ذکر نکرده، تصمیم می‌گیرد که این روایات را تحت عنوان «ابواب الزیادات» که طبق بابهای قبلی باب‌بندی شده است به مواضع خود ملحق سازد. بدین ترتیب تهذیب از شکل یک رساله فقهی خارج شد و صورتی مستقل به خود گرفت. وی در مقدمه مشیخه تهذیب این نکته را یادآور شده می‌نویسد:

«در ابتدای کتاب شرط کرده بودیم که به شرح رساله مقنعه - مسئله به مسئله - اکتفا کنیم و به ذکر ظواهر آیات و ادله‌ای که به علم منجر می‌شود، به عنوان احتجاج پردازیم. آنگاه بخشی از اخباری را که مخالفانمان روایت کرده‌اند، یادآور شویم. سپس به ذکر احادیث اصحابمان - که خدایشان بیامرزد - پردازیم و در هر مسئله‌ای روایات مورد اتفاق و مورد اختلاف را بیان کنیم. در اکثر محتویات کتاب الطهاره

۱. سیدمحمدجواد شبیری، سلسله درسهای رجال (هنوز چاپ نشده است)، جلسه بیستم.

۲. همان.

۱. همان.

به این شرط وفا کردیم، سپس دیدیم که با این شرح و بسط، کتاب از هدف خود خارج می‌گردد و نیز ناقص و غیر مستوفی خواهد شد. لذا از این روش عدول کرده، به ذکر احادیث اصحابمان بسنده کردیم. پس از آن دیدیم که استیفای روایاتی که به این امر مربوط است بهتر از اطناب و تفصیل در موارد دیگر است از این رو بازگشتیم و ابواب زیادات را - که در مورد آن کوتاهی نموده بودیم - افزودیم» (شیخ طوسی، تهذیب، ۱۴۰۶: ۴/۱۰).

کتاب استبصار که مانند کتاب تهذیب از زمان تألیف تا کنون همواره مورد توجه فقها بوده، به گفته مؤلف در سه جزء تنظیم شده است که دو جزء آن در عبادات و جزء سومش مربوط به معاملات و بقیه ابواب فقه است (شیخ طوسی، استبصار، ۱۴۰۶: ۳۴۲/۴).<sup>۱</sup> شیخ طوسی استبصار را پس از تهذیب و با استفاده از این کتاب تألیف نمود، اما این کتاب شامل تعدادی از کتب تهذیب است نه همه آن و دیگر اینکه کتاب تهذیب جامع اخبار مخالف با یکدیگر و موافق با هم است، در صورتی که اخبار کتاب استبصار منحصر به اخبار مختلف و ذکر طرق جمع بین آنهاست (شیخ طوسی، ۱۴۱۷: ۲۴۰). شیخ طوسی در مقدمه این کتاب در ضمن بیان انگیزه خود از تألیف این کتاب می‌نویسد:

«پس از تألیف کتاب تهذیب جمعی از دانشمندان که آن را مورد مطالعه قرار دادند... خواستار کتابی شدند که احادیث مختلف به طور اختصار در آن به طور جداگانه جمع آوری شود... و از من خواستند که چنین کتابی را تألیف کنم و چنان باشد که در هر باب ابتدا آنچه مورد اعتماد در فتوا و احادیث است بیاورم، سپس اخبار مخالف آن را ذکر کرده و به دنبال آن راه جمع را بیان دارم، به طوری که در حد امکان، چیزی از آنها را نیز اسقاط نکرده باشم و همان مسلكی را که در تهذیب پیموده‌ام، پیمایم و در آغاز کتاب به برخی مرجحات که با آنها جواز عمل به پاره‌ای از اخبار و نه همه آنها به دست آید اشاره کنم (شیخ طوسی، استبصار، ۱۴۰۶: ۳-۲/۱).

همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد روش شیخ در تهذیب بدین گونه است که ابتدا

۱. ظاهراً در صفحه‌گذاری کتاب اشتباه رخ داده و صفحه واقعی ۳۴۲ است، اما شماره صفحه‌ای که در کتاب درج شده ۳۳۴ می‌باشد.

روایتی را که قبول دارد و به ظاهرش عمل می‌کند، ذکر کرده و پس از آن «ما رواه فلان» را توجیه می‌کند. سبک استبصار هم شبیه سبک تهذیب است، اما در استبصار، متن وجود ندارد، بلکه ابتدا روایت را آورده و سپس «ما رواه فلان» را توجیه می‌کند و احیاناً شهادی هم برایش می‌آورد.

همچنین شیخ در مقدمه مشیخه استبصار آورده:

«آنچه که شما دوستان - خداوند تأییدتان فرماید - از من خواسته بودید که روایات مختلف را جدا کرده و آنها را به همان ترتیب کتب فقهی که اول آنها کتاب الطهاره و آخرش کتاب الدیات است بیاورم، اجابت نمودم و در هر باب روایات مخصوص آن را آوردم و تا آنجایی که میسر بود کوشش نمودم تا حدیثی باقی نماند و از خداوند متعال خواستارم که در جمع آوری احادیث مختلفه‌ای که شناخته شده است، اخلاقی ننموده و جز روایات شاذ و نادر همه را آورده باشم. با این حال ادعای احاطه علمی به تمام احادیث وارد شده در این فن را ندارم، چرا که تألیفات اصحابمان - که خداوند از آنها خشنود باشد - و اصولی که در این باب تدوین نموده‌اند، بسیار است و چه بسا من به برخی دست نیافته باشم. پس اگر کسی به آنها دست یافت مرا به تقصیر یا تعمد در آن نسبت ندهد، چون هر انسانی مکلف است که به اندازه توانایی و طاقت خود تلاش نماید و در هر بابی که عنوان نموده‌ام اگر اخبار آن باب اندک بود، همه را آورده‌ام و اگر زیاد بود بخش قانع‌کننده‌ای از آن را آورده و بقیه را به کتاب کبیر ارجاع داده‌ام» (شیخ طوسی، استبصار، ۱۴۰۶: ۳۰۴/۴).<sup>۱</sup>

از این عبارات استفاده می‌شود که شیخ بنا داشته تمام روایتهای متعارض را جمع کند و قصد استقصا داشته است. البته ایشان اخبار معارض را اگر تعدادش کم بوده همانجا ذکر کرده و اگر تعدادش زیاد بوده چند تایی را آورده و رفع تعارض کرده و از آنجا که با رفع تعارض این چند روایت، تعارض بقیه هم حل می‌شده، از ذکر آنها خودداری نموده و به کتاب کبیرش یعنی تهذیب ارجاع داده است.

همچنین از این کلام شیخ استفاده می‌شود که شیخ در تهذیب بنایش این بوده

۱. ظاهراً در صفحه‌گذاری کتاب اشتباه رخ داده و صفحه ۳۰۴ که در کتاب درج شده در واقع صفحه ۳۱۲ می‌باشد.

که همه روایات را بیاورد. البته ممکن است روایاتی وجود داشته که هرچند در متن با روایات دیگر یکی بوده اما سندهای متفاوتی داشته و شیخ آنها را نیآورده است و این اشکالی ایجاد نمی‌کند؛ چون متن روایات آمده و ذکر کلیه اسناد روایات ضروری به نظر نمی‌رسیده است. به هر حال ظاهر کلام شیخ این است که ایشان بنای استقصا داشته است.

تقریباً تمام احادیث استبصار در تهذیب آمده است.<sup>۱</sup> البته گاهی در اسناد احادیث دو کتاب تفاوتی دیده می‌شود (شبی، ۱۳۸۳: ۶۹۷/۸)، به هر حال استبصار کتابی است غیر از تهذیب که هم از نظر هدف کلی تألیف و هم از دیدگاه باب‌بندی و شیوه ترتیب احادیث در هر باب ویژگیهای خاص خود را دارد. از عبارات شیخ نیز چنین استفاده می‌شود که ایشان استبصار را کتابی مستقل می‌دانسته است.<sup>۲</sup>

کتاب تهذیب بسیار نامرتب است و روایات بسیاری در ابواب زیادات آمده که این ابواب را شیخ طوسی بعدها بر اصل کتاب افزوده است. این در حالی است که کتاب استبصار نظم و ترتیب بسیار خوبی دارد و بنا بر اظهار برخی از اساتید، از منظم‌ترین کتب حدیثی ما به شمار می‌رود (واعظزاده، ۱۳۸۵: ۲۶۹).<sup>۳</sup>

کتب اصلی استبصار تفاوت چندانی با تهذیب ندارد، اما بابهای تهذیب کلی‌تر است، در حالی که در استبصار ریزتر شده و احیاناً در استبصار، بابها جابجا گردیده است.

شیخ در استبصار ابتکار خاصی به کار برده و آن اینکه در پایان کتاب، شماره احادیث کتاب را ذکر کرده است. وی در خاتمه استبصار پس از درج مشیخه اظهار

۱. آیه‌الله واعظزاده می‌فرماید: به خاطر دارم که هنگام تألیف کتاب جامع احادیث الشیعه، تنها به دو روایت در کتاب استبصار برخورد کردیم که آنها را در تهذیب نیافتیم (ر.ک: واعظزاده، ۱۳۸۵: ۲۶۹).

۲. این ایده در مقابل ایده کسانی است که استبصار را خلاصه‌ای از تهذیب می‌دانند (ر.ک: دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۷: ۱۶۰/۸).

۳. شایان ذکر است که کتاب تهذیب را مرحوم سیدهاشم بحرانی مرتب نموده که با نام ترتیب التهذیب در زمان آیه‌الله بروجردی در دو جلد رحلی بزرگ به صورت افست از روی نسخه خطی چاپ شده است (ر.ک: واعظزاده، ۱۳۸۵: ۲۶۹).

می‌دارد که کتابش را به سه جزء تقسیم کرده که جزء اول و دوم در عبادات و جزء سوم متعلق به معاملات و دیگر ابواب فقهی است. جزء اول مشتمل بر ۳۰۰ باب و شامل ۱۸۹۹ حدیث، جزء دوم مشتمل بر ۲۷۰ باب و شامل ۱۱۷۷ حدیث، جزء سوم مشتمل بر ۳۹۸ باب<sup>۱</sup> و شامل ۲۴۵۵ حدیث است و کلیه ابواب کتاب ۹۲۵ باب است که روی هم رفته شامل ۵۵۱۱ حدیث می‌باشد. ایشان اشاره می‌کند که این کار را برای حفظ کتاب از عارضه زیاده و نقصان انجام داده است (شیخ طوسی، استبصار، ۱۴۰۶: ۳۴۲/۴ و ۳۴۳).

### ۳. اسناد تهذیب و استبصار

همان‌گونه که گذشت، تمام احادیث استبصار به گونه‌ای در تهذیب آمده است؛ اما اسناد دو کتاب تفاوتی دارند. از جمله در جلد اول استبصار بیش از ۲۰۰ روایت دیده می‌شود که در تهذیب اسناد آنها کامل است، ولی در استبصار آغاز سند نیامده است. برعکس در هشتاد مورد فقط سند استبصار کامل است (ر.ک: شیخ طوسی، استبصار، ۱۴۰۶: ۱۶/۱، ح ۱ و ۱۷، ح ۲؛ نیز: همو، تهذیب، ۱۴۰۶: ۲۱/۱، ح ۱۵ و ۲۲، ح ۱۶).

بخشی از این تفاوت ناشی از آن است که شیخ طوسی احادیث معارض را بر خلاف احادیث ادله و شواهد، هیچ‌گاه با سند کامل نیآورده و چون موضوع کتاب استبصار، احادیث متعارض بوده است، طبعاً این‌گونه اسناد در استبصار بیشتر دیده می‌شود (شبی، ۱۳۸۳: ۶۹۸). همچنین شیخ طوسی گاه طریقی را که به یک مؤلف در تهذیب داشته است، در استبصار به خاطر علو اسناد (کوتاه کردن سند) به طریق دیگری تبدیل کرده است (ر.ک: شیخ طوسی، استبصار، ۱۴۰۶: ۳۹/۱، ح ۱۰۶؛ همو، تهذیب، ۱۴۰۶: ۲۳۸/۱، ح ۶۸۸؛ شهید ثانی، ۱۳۶۲: ۴۱/۱ و ۴۲).

در جلد اول تهذیب غالباً روایات از طریق شیخ مفید نقل شده، ولی در استبصار، طرق مشایخ متعدد مؤلف ذکر گردیده و بویژه اگر طریق غیر شیخ مفید به سببی مانند کمی واسطه یا تعدد راویان، بر طریق شیخ مفید ترجیح داشته باشد، آن طریق

۱. این رقم موافق است با مجموع ابواب جزء سوم و چهارم چاپی کتاب استبصار که در آن دو روی هم رفته ۳۹۹ باب وجود دارد (شبی، ۱۴۲۰: ۱۸۸).

انتخاب شده است (ر.ک: شیخ طوسی، استبصار، ۱۴۰۶: ۷۳/۱، ح ۲۲۳ و ۲۲۴؛ همو، تهذیب، ۱۴۰۶: ۹۷/۱، ح ۲۵۱ و ۲۵۲؛ شبیری، ۱۳۸۳: ۶۹۷/۸).

همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد در تهذیب به سه دسته روایات برخورد می‌کنیم. یک دسته روایاتی که برای استدلال بر کلام شیخ مفید آمده است؛ دسته دوم روایاتی است که به عنوان معارض روایات اول ذکر شده و دسته سوم، روایاتی که به عنوان شاهد جمع آورده شده است. این سه دسته روایات در کیفیت تعلیقات نیز کاملاً متفاوتند. به همین دلیل دقت در اینکه روایت از کدام یک از این سه دسته است اهمیت دارد.

شیخ طوسی در مقدمه تهذیب به این مطلب اشاره نموده است که در شیوه نقل احادیث، در اجزای کتاب تغییر رخ داده و در بعضی موارد سند را کامل آورده و در موارد دیگر طریق خودش را به اصل کتاب یا اصلی که روایت از آن است ذکر نکرده است، ولی عبارتش در مقدمه مشیخه تهذیب ابهام دارد و عبارت روشن ترش در مقدمه مشیخه استبصار آمده است، اما مراد از عبارت تهذیب همان عبارت استبصار است. شیخ در مقدمه مشیخه استبصار می‌نویسد:

«در اول کتاب شیوه من بدین گونه بود که احادیث را با اسانیدشان می‌آوردم و در جزء اول و جزء دوم این شیوه را ادامه دادم، سپس در جزء سوم اسانید را مختصر کرده و سند را با نام راوی که حدیث را از کتابش یا اصلش گرفته‌ام، آغاز نمودم مشروط به اینکه در پایان کتاب، طرکم را به این کتابها و اصول یادآور شوم، همان گونه که در کتاب تهذیب چنین کردم...» (شیخ طوسی، استبصار، ۱۴۰۶: ۳۰۴/۴).

نظیر این مطلب در تهذیب نیز آمده است، اما به روشنی استبصار نیست و به گونه‌ای مبهم است. وی در مقدمه مشیخه تهذیب می‌نویسد:

«... ثم رأنا رأينا أنه يخرج بهذا البسط عن الغرض و يكون مع هذا الكتاب مبتوراً غير مستوفى فعدلنا عن هذه الطريقة إلى إيراد أحاديث أصحابنا رحمهم الله المختلف فيه و المتفق ثم رأينا بعد ذلك أن استيفاء ما يتعلق بهذا المنهاج أولى من الإطناب في غيره فرجعنا و آوردنا من الزيادات ما كنا أخللنا به و اقتصرنا من إيراد الخبر على الابتداء بذكر المصنف الذي أخذنا الخبر من كتابه أو صاحب الأصل الذي أخذنا الحديث من أصله...؛ پس از آن دیدیم که استیفای روایاتی که به این امر مربوط

است بهتر از اطناب و تفصیل در موارد دیگر است، از این رو بازگشتیم و ابواب زیادات را - که در مورد آن کوتاهی نموده بودیم - افزودیم و خبر را با ذکر نام مصنفی که حدیث را از کتابش گرفته‌ایم یا صاحب اصلی که خبر را از اصلش اخذ کرده‌ایم آغاز نمودیم...» (شیخ طوسی، تهذیب، ۱۴۰۶: ۴/۱۰).

در این عبارت روشن نیست که قسمت «و اقتصرنا من إيراد الخبر على الابتداء بذكر المصنف الذي أخذنا الخبر من كتابه» متعلق به قول اخیرش است که می‌گوید: «ثم رأينا بعد ذلك أن استيفاء ما يتعلق بهذا المنهاج...» - که در این صورت ذکر مصنف یا صاحب اصل در ابتدای سند مخصوص به باب زیادات است - یا اینکه متعلق به عبارت ماقبلش است که گفته: «إنما رأينا أنه يخرج بهذا البسط...» که در این صورت جمیع کتاب را به استثنای کتاب طهارت در بر می‌گیرد. اما اینکه جمیع مجلدات تهذیب اراده شده باشد، علاوه بر اینکه مخالف ظاهر است، با آنچه که ما در کتاب طهارت از اسانید کامل تکرار شده مشاهده می‌کنیم مخالف است؛ همان گونه که مراجعه به تهذیب این ابهام را از عبارت مشیخه می‌زداید؛ زیرا در این کتاب سند کاملی غیر از ابواب جلد اول آن یافت نمی‌شود (شبیری، ۱۴۲۰: ۱۸۹).

ظاهر عبارت شیخ، خصوصاً عبارت استبصار دلالت دارد بر اینکه لااقل در جزء اول و دوم اسناد کامل ذکر شده، ولی وقتی به کتاب مراجعه می‌کنیم، مشاهده می‌کنیم که در همان جزء اول هم چنین نیست.

در استبصار نیز مانند تهذیب به سه دسته روایات برمی‌خوریم: یک دسته روایات اولیه که شیخ طبق آنها فتوا می‌دهد؛ یک دسته روایاتی که معارض است و یک دسته روایات شاهد جمع. دسته اول جز در موارد خیلی نادر اسنادش همیشه کامل است. دسته دوم تقریباً همه جا اسنادش ناقص است و شاهد جمعها مختلف است، گاهی کامل و گاهی ناقص است. از این رو معلوم می‌شود که مراد شیخ از اینکه می‌گوید سندها را کامل آورده‌ایم، فقط روایات دسته اول است که بر طبق آنها فتوا می‌دهد.

اسناد کامل در جزء اول و جزء دوم استبصار به صورت یکسان نیست، بلکه به تدریج کم می‌شود. اسانید کامل کتاب استبصار به شکل زیر است (همان): کتاب

الطهاره ۲۱۸، کتاب الصلاه ۷۶، کتاب الزکاه ۲۰، کتاب الحج ۳.

در جزء سوم نیز دو سند کامل در ابتدای کتاب الجهاد و ابتدای کتاب النکاح دیده می‌شود. از این رو ممکن است توهم شود که طرق مشیخه استبصار اختصاص به جزء سوم دارد، لکن ظاهر این است که شامل جمیع اسانید ناقص کتاب می‌شود.<sup>۱</sup> عبارتی که از شیخ طوسی در مورد کتاب الطهاره در مشیخه تهذیب آمده نیز شامل هر سه قسم از روایات نمی‌شود، بلکه قسم دوم یعنی احادیث معارض، مشمول این کلام نیست؛ زیرا سند کامل در آن دیده نمی‌شود و قسم اول هم غالباً با سند کامل آمده و سند ناقص در آن نادر است و در قسم سوم نیز گرچه سند ناقص، نادر نیست، لکن غالباً سند کامل آمده است (شبییری، ۱۴۲۰: ۱۹۰).

به هر حال شیخ طوسی برای بعضی روایات سندهای کامل ذکر می‌کند. این سندهای کامل، قسمتی از آنها طریق شیخ به کتابی است که روایت از آن کتاب اخذ شده و بقیه، نام صاحب کتاب تا آخر سند است. اگر ما بتوانیم صاحب کتاب را در این سندهای کامل تشخیص دهیم بسیار مفید است؛ چرا که اگر صاحب کتاب مشخص شد، می‌توانیم طریقی را که به صاحب کتاب است با هر طریقی که شیخ در مشیخه یا در فهرست آورده تعویض کنیم.

گرچه روایات استبصار از تهذیب گرفته شده، اما طریقه‌های ذکر شده به صاحب کتب در برخی روایات متفاوتند و این از روی تفنن بوده است. به عنوان مثال ممکن است شیخ به استبصار که رسیده، خواسته یک طریق اعلی ذکر کند، لذا طریق را عوض کرده است.<sup>۲</sup>

نکته قابل توجه اینکه اخباری که شیخ از مخالفان نقل می‌کند، هیچ ارتباطی به مشیخه ندارد و مشیخه فقط در مورد اخبار متعلق به اصحاب امامیه (ما يتعلق بأصحابنا) می‌باشد.

۱. ظاهراً مراد صاحب منتقى الجمان از عبارت «إنه ذکر فی آخر التهذیب -بعبارة واضحة و فی الاستبصار بتأدیة مختلة يشهد معها الاعتبار باتحاد المراد- أن كل حدیث ترك أول إسناده، ابتدأ فی باقیه باسم الرجل الذی أخذ الحدیث من كتابه أو صاحب الأصل الذی أخذ الحدیث من أصله و آورد جملة الطریق إلى الكتب و الأصول...» همین است (ر.ک: شهید ثانی، ۱۳۶۲: ۲۳/۱).  
 ۲. سیدمحمدجواد شبیری، سلسله درسهای رجال (هنوز چاپ نشده است)، جلسه بیستم.

#### ۴. استدلالها و توضیحات مؤلف

تفاسیر و توضیحات مؤلف در استبصار درباره احادیث و شیوه رفع تعارض میان آنها بیشتر از تهذیب گرفته شده، هر چند در تعابیر و الفاظ دو کتاب تفاوتی وجود دارد (ر.ک: شیخ طوسی، استبصار، ۱۴۰۶: ۱۴/۱-۱۶، ح ۲۷ و ۲۸؛ همو، تهذیب، ۱۴۰۶: ۲۲۰-۲۱۸/۱، ح ۶۲۷ و ۶۲۸). توضیحات استبصار گاه گزیده‌تر و کاملتر است (ر.ک: شیخ طوسی، استبصار، ۱۴۰۶: ۸۱/۱، ح ۲۵۳ و ۸۲، ح ۲۵۷؛ همو، تهذیب، ۱۴۰۶: ۹۰۸/۱، ح ۱۳ و ۱۱، ح ۱۹) و گاه ابهام تهذیب، در استبصار برطرف شده است (ر.ک: شیخ طوسی، استبصار، ۱۴۰۶: ۱۱/۱-۱۲، ح ۱۷؛ همو، تهذیب، ۱۴۰۶: ۴۳/۱، ح ۱۱۹). در استبصار گاه احتمالات جدیدی در توجیه احادیث مطرح شده (ر.ک: شیخ طوسی، استبصار، ۱۴۰۶: ۸۵-۱۴/۱، ح ۲۶۷ و ۲۶۸؛ همو، تهذیب، ۱۴۰۶: ۳۵۰/۱، ح ۱۰۳۲) و در برخی موارد تغییرات محتوایی که به اختلاف فتوا انجامیده دیده می‌شود (ر.ک: شیخ طوسی، استبصار، ۱۴۰۶: ۱۶۱/۱ و ۱۶۲، ح ۵۶۰؛ همو، تهذیب، ۱۴۰۶: ۱۹۶/۱ و ۱۹۷، ح ۵۶۸؛ شبیری، ۱۳۸۳: ۶۹۸/۸).

قدرت علمی شیخ در جلد اول تهذیب آشکار است و در استدلال و توضیح روایات خیلی قوی برخورد می‌کند. نقل شده که مرحوم آیه‌الله بروجردی نسبت به تسلط شیخ بر علوم اسلامی بسیار معجب بود و در درس خود، تحقیقات شیخ را در تهذیب، در کیفیت و وضو، دلیل بر تبحر وی در ادب و قدرت استدلال و عمق نظر او می‌دانست (واعظزاده، ۱۳۶۲: ۵۰/۱؛ شبیری، ۱۴۲۰: ۱۸۵-۱۸۶). اما شیخ در اثنای نگارش تهذیب دیده که اگر بخواهد این گونه مبسوط ادامه دهد کتاب مبتور و غیر مستوفی می‌شود، لذا سبک را تغییر داده و فقط به ذکر احادیث اصحاب پرداخته که توضیح مفصل آن گذشت (شیخ طوسی، تهذیب، ۱۴۰۶: ۴/۱۰).

#### ۵. مآخذ تهذیب و استبصار

بیشتر مآخذ احادیث استبصار همان مآخذ تهذیب است. به احتمال قوی شیخ طوسی در استبصار مستقیماً به مراجع مراجعه نمی‌کرده و مرجع استبصار همان تهذیب بوده است (شبییری، ۱۳۸۳: ۶۹۸/۸)، تنها در موارد اندکی مآخذ حدیث در استبصار تغییر



یافته است (ر.ک: شیخ طوسی، *استبصار*، ۱۴۰۶: ۲۵/۱، ح ۶۲؛ همو، *تهذیب*، ۱۴۰۶: ۸۶/۹ و ۸۷ ح ۱۰۰؛ نیز: همو، *استبصار*، ۱۴۰۶: ۱۳/۳، ح ۳۵؛ همو، *تهذیب*، ۱۴۰۶: ۲۸۳/۶، ح ۱۸۶).

نکته مهم در این باره وجود مواردی از ابهام در اشاره یا ارجاع ضمیر، اختلال در اسناد و خلط متون احادیث در استبصار است که تنها توجیه مقبول آن این است که مؤلف هنگام نگارش استبصار به تهذیب مراجعه می کرده که گاه موجب اشتباه در اقتباس حدیث شده است. ظاهراً در موارد بسیاری در استبصار به نقل تهذیب بسنده شده و مراجعه مستقلی به منابع اصلی صورت نگرفته است (ر.ک: شیخ طوسی، *استبصار*، ۱۴۰۶: ۱۰۳/۱، ح ۳۳۶ و ۳۳۷؛ همو، *تهذیب*، ۱۴۰۶: ۱۱۱/۱، ح ۲۹۱ و ۲۹۲؛ نیز: همو، *استبصار*، ۱۴۰۶: ۱۱۷/۱ و ۱۱۸، ح ۳۹۵ و ۳۹۶؛ همو، *تهذیب*، ۱۴۰۶: ۱۳۱/۱، ح ۳۵۷-۳۶۱؛ نیز: همو، *استبصار*، ۱۴۰۶: ۱۳۳/۳؛ همو، *تهذیب*، ۱۴۰۶: ۲۲۱/۷؛ شبیری، ۱۳۸۳: ۶۹۸/۸).

رخ دادن اشتباه در تهذیب منشأهایی دارد که طبیعی به نظر می رسد، اما رخ دادن اشتباه در استبصار طبیعی نیست، ولی مشاهده می شود که عین همان اشتباه در تهذیب وجود دارد که اگر شیخ طوسی مستقیماً به مصادر مراجعه می کرد آن اشتباه رخ نمی داد.<sup>۱</sup>

اینها همه نشانگر این است که استبصار مصدرش همان تهذیب است، لذا اگر اشتباهی در آن رخ داده، نباید تلقی شود که شیخ دو بار اشتباه کرده است، بلکه اشتباه دوم تکرار همان اشتباه قبلی است.

### ۶. مشیخه تهذیب و استبصار

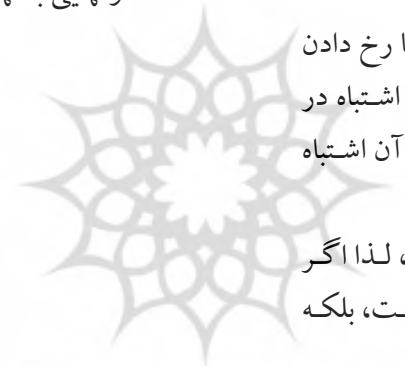
مشیخه تهذیب و استبصار مانند هم است، ولی مقدمه مشیخه تهذیب و استبصار مقداری با هم متفاوت است. مشیخه ارتباطی با اخباری که شیخ از مخالفان نقل می کند ندارد و فقط در مورد روایات متعلق به اصحاب امامیه است.

شیخ طوسی پس از درج مشیخه خود در انتهای استبصار، تعداد اجزاء کتاب، موضوعات اجزاء، تعداد ابواب و تعداد روایات هر باب را ذکر نموده و اشاره

می کند که این کار را برای حفظ کتاب از عارضه زیاد و نقصان انجام داده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۶: ۳۴۲/۴ و ۳۴۳).<sup>۱</sup>

### ۷. نتیجه گیری

بر خلاف عقیده برخی که استبصار را خلاصه ای از تهذیب می دانند، باید گفت این دو کتاب از جهاتی با هم متفاوتند. گرچه تمام احادیث استبصار در تهذیب موجود است، اما استبصار کتابی است غیر از تهذیب که هم از نظر هدف کلی تألیف و هم از دیدگاه باب بندی و شیوه ترتیب احادیث در هر باب ویژگیهای خاص خود را دارد و بعضاً از جهت اسناد روایات و توضیحات و استدلالهای مؤلف نیز در آن تفاوتی با تهذیب مشاهده می شود.



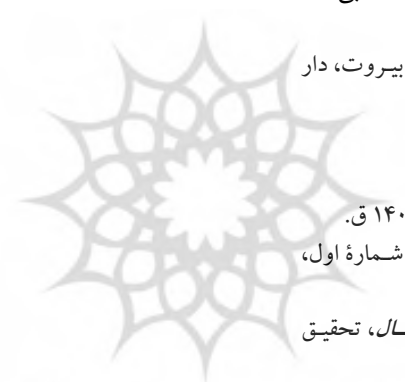
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۱. ظاهراً در صفحه گذاری کتاب اشتباه رخ داده و صفحه واقعی ۳۴۲ است، اما شماره صفحه ای که در کتاب درج شده ۳۳۴ می باشد.

۱. سیدمحمدجواد شبیری، *سلسله درسهای رجال* (هنوز چاپ نشده است)، جلسه بیستم.

کتاب‌شناسی

۱. ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل، *البدایة و النهایة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۲. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۹۸ ق.
۳. بهبودی، محمدباقر، *گزیده تهذیب*، بی‌جا، کویر، ۱۳۷۰ ش.
۴. تهرانی، آقازرگ، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، چاپ سوم، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۳ ق.
۵. *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۶. شیرینی، سیدمحمدجواد، «تهذیب الاحکام»، *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۷. همو، «مصادر الشیخ الطوسی فی کتابه تهذیب الاحکام»، *علوم الحدیث*، سال سوم، شماره ششم، رجب - ذیحجه ۱۴۲۰ ق.
۸. همو، *سلسله درسهای رجال* (هنوز چاپ نشده است).
۹. شهید ثانی، جمال‌الدین حسن بن زین‌الدین، *منتقى الجمال فی الاحادیث الصحاح و الحسان*، بی‌جا، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۱۰. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *الاستبصار فیما اختلف من الاخبار*، چاپ سوم، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۶ ق.
۱۱. همو، *الفهرست*، تحقیق نشر الفقاهه، بی‌جا، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۱۲. همو، *تفسیر التبیان*، نجف اشرف، مکتبه الامین، ۱۳۷۶ ق.
۱۳. همو، *تهذیب الاحکام فی شرح مقنعة الشیخ المفید*، چاپ سوم، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۶ ق.
۱۴. عابدی، احمد، «شیوه شیخ طوسی در تهذیب الاحکام»، *آینه پژوهش*، سال نهم، شماره اول، فروردین - اردیبهشت ۱۳۷۷ ش.
۱۵. علامه حلی، ابومنصور حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، *خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال*، تحقیق نشر الفقاهه، بی‌جا، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۱۶. معارف، مجید، *پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه*، چاپ دوم، بی‌جا، مؤسسه فرهنگی و هنری ضریح، ۱۳۷۶ ش.
۱۷. همو، *تاریخ عمومی حدیث*، چاپ ششم، بی‌جا، کویر، ۱۳۸۵ ش.
۱۸. واعظزاده، محمد، «شرح حال و آثار شیخ طوسی»، *هزاره شیخ طوسی*، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.
۱۹. همو، *زندگی آیه‌الله العظمی بروجردی*، چاپ دوم، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۲۰. *یادنامه شیخ طوسی*، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۴۸ ش.



پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه  
مؤسسه فرهنگی و هنری ضریح